



## بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع بحث: پروتکل ابلاغی شیطان 1، 2

### شیطان سگ درگاه حق:

امام خمینی در شرح چهل حدیث صفحه ۵۲ به نقل از مرحوم شاه آبادی می‌فرماید: شیطان سگ درگاه خداست. این جمله خیلی مهم است برای فهمیدن اهمیتش یک مثالی می‌زنیم.

ممکن است شما به یک روستای رفته باشید وقتی به مقصد می‌رسید یک یا چند سگ شما را احاطه می‌کنند و نمی‌گذارند وارد حریم صاحب خانه بشید اگر شما شماره صاحب خانه را داشته باشید می‌توانید هماهنگ کنید تا به شما اجازه بدهد وارد شوید وگرنه سگ‌ها مانع این امر می‌شوند مثال شیطان هم همین است، وجود شیطان طرح خداست، طراحی خداست یک سگی در بیت الله گذاشته اند و تو برای رفتن به بیت الله نیاز داری با خدا هماهنگ کنی اول باید یک شناخت

با صاحبخانه داشته باشی شماره اش را داشته باشی تا اجازه دهد که به خانه اش بیاید اگر ارتباطت با صاحبخانه خوب شود آن موقع سگ با تو کاری نخواهد داشت.

### اهمیت استعاذه :

ما باید از شر شیطان پناه ببریم اعوذ بالله من همزات شیاطین خوب است قبل از بسم الله، اعوذ بالله بگوئیم این آیه قرآن است آیه ۹۸ سوره نحل: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

این که شیطان سگ درگاه خدا است به زبان قرآن می شود اعراف آیه ۱۶: قَالَ فِيمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ شیطان گفت که چون تو مرا گمراه کردی من نیز البته در کمین بندگانت در سر راه راست تو می نشینم.

### عبودیت، صراط مستقیم :

می گویند صراط مستقیم عبودیت است می گوید بر سر این خانه میشینم سر صراط مستقیم میشینم نمی گذارم عبودیت انجام شود تا نجات پیدا کنید دو سه تا قسم هم می خورد.

ما یک دشمن قسم خورده به نام شیطان داریم به قول  
امروزی می خواهد پاچه بگیرد، نمی گذارد به سرمنزل برسیم  
ما را می ترساند، می خواهد ما را از مسیر اصلی که عبودیت  
است خارج کنند وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ

### شیطان مانع سوارکاری انسان:

مثال دیگری که برای فلسفه وجودی شیطان مطرح می کنند  
مثال اسب سواری، اسب سواری یک رشته ورزشی هست و  
در المپیک مدال آوری دارد تا مهارترین سوارکار دنیا مشخص  
شود در این مسابقات مانعی جلوی اسب ها می گذارند تا از  
آن بپرند، قبل از مسابقات و برای تمرین اسب ها مانعی جلوی  
اسب میگذارند تا اسب وزین و چالاک شود و سوارکار هم  
مهارت کنترل اسب را پیدا کند.

در مسیر عبودیت خداوند هم مانعی به نام شیطان را گذاشته  
تا بتوانیم استعداد های بالقوه ای خود را بالفعل کنیم، ما  
خلیفه خود هستیم و خداوند همه کمالات را در وجود ما  
نهادینه کرده «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» فقط عاملی می  
خواهد تا این استعداد های ذاتی نمایان و شکوفا بشوند در  
این مسیر شیطان کمکی هست تا ما به این کمالات ذاتی

با توجه به دو مثالی که در بالا گفته شد شیطان طرح خداوند است برای شکوفایی انسان.

### شیطان شناسی:

ما اگر شیطان را بشناسیم، موانع را بشناسیم، ماهیت موانع را بشناسیم و اندازه موانع را بشناسیم میتوانیم کم‌کم از این موانع عبور بکنیم و می‌دانیم برای شکوفه‌های خود چه کنیم. لازمه اول این است که ما شیطان و موانع را بشناسیم سوارکار می‌داند که چگونه از مانع اول بپرد، مانع دوم کجا هست و چگونه مسابقه را به پایان برساند ما هم باید آدرس شیطان را بشناسیم، مختصات شیطان را بدانیم، قرآن زیاد بخوانیم چون درباره شیطان خیلی صحبت کرده است و باید شیطان‌شناس خیلی قوی باشیم.

### گروه هدف شیطان:

در اول باید بدانیم که شیطان با مخلصین کار دارد با مذهبی‌ها سر کار دارد به غیر از مخلصین کاری ندارد چون آنها بر سر این خانه نمی‌آیند.

این که شیطان سگ درگاه خداوند است یعنی می آید بر سر راه مخلصین می نشیند تا آنها به عبودیت نرسند، تا مخلصین مخلصین نشوند.

مخلصین کسانی هستند که از این سگ عبور کرده‌اند و اهل بیت الله شده‌اند کسی که مخلص شود شیطان نمی تواند به او دسترسی داشته باشد، سگ جلوی در ایستاده است نمی تواند داخل خانه بیاید.

آیه ۶۱ و ۶۲ سوره یاسین خداوند آمار می دهد و **وَأَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبَلًا كَثِيرًا** خلی ها را گمراه کرده و نگذاشته مخلص بشوند!

### غیر مخلصین، احزاب شیطان:

در روایتی آمده است: هنگامی که امام حسین (ع) تنها شد به خیمه های برادرانش سر کشید، آنجا را خالی دید. آنگاه به خیمه های فرزندان عقیل نگاهی انداخت، کسی را در آنجا نیز ندید؛ سپس به خیمه های یارانش نگریست کسی را ندید، امام در آن حال ذکر «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» را فراوان بر زبان جاری می ساخت.

آنگاه به خیمه های زنان روانه شد و به خیمه فرزندش زین العابدین(ع) رفت. او را دید که بر روی پوست خشنی خوابیده و عمّه اش زینب(س) از او پرستاری می کند. چون علی بن الحسین(ع) نگاهش به پدر افتاد خواست از جا برخیزد، ولی از شدت بیماری نتوانست، پس به عمّه اش زینب گفت: «کمکم کن تا بنشینم چرا که پسر پیامبر(ص) آمده است» زینب(س) وی را به سینه اش تکیه داد و امام حسین(ع) از حال فرزندش پرسید: او حمد الهی را بجا آورد و گفت:

«يَا أَبَتَاهُ مَا صَنَعْتَ الْيَوْمَ مَعَ هَؤُلَاءِ الْمُنَافِقِينَ»؛ (پدر! امروز با این گروه منافق چه کرده ای؟).

امام(ع) در پاسخ فرمود:

«يَا وَلَدِي قَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ، وَ قَدْ شُبَّ الْقِتَالُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ، لَعَنَهُمُ اللَّهُ حَتَّى فَاضَتْ الْأَرْضُ بِالدَّمِّ مِثْلًا وَ مِنْهُمْ»؛ (فرزندم شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است و جنگ بین ما و آنان چنان شعله ور شد که زمین از خون ما و آنان رنگین شده است). اینها حزب شیطان اند و آنها را از مسیر عبودیت از خارج کرده است.

## حدیث عنوان بصری:

عنوان بصری پیرمردی بوده که نزد امام صادق (ع) می آید و می گوید به من چیزی یاد بدهید تا در مسیر مستقیم قرار بگیریم. امام می فرمایند صراط مستقیم عبودیت است عنوان می پرسد ما حقیقة العبودیه؟ حقیقت عبودیت چیست؟ حضرت جواب میدهند که سه چیز حقیقت عبودیت امام فرمود اگر این سه چیز را داشته باشید از چه چیز خارج می شوید یک ابلیس دو دنیا سوم مردم. اولین این سه چیز این هست که بنده احساس مالکیت نکند دوم اینکه بنده برای خود تدبیر نکند و سوم اینکه بنده مشغول امر و نهی الهی شود

## کارهای شیطان در راه عبودیت:

شیطان در اولین مورد که مالکیت است به تو اینطور می فهماند که صاحب رزق، خودت هستی، همه چیز برای توست همان چیزی که تمدن غرب می گوید که تو مالک خودت هستی (بدن خودمه، موی خودمه، گوشی خودمه، خونه خودمه و..) این کار شیطان است من گفتن این من شیطان هست در

جهاد اکبر ما با من کار داریم در آلمان یک خودکشی هست به اسم خودکشی خاموش میروند پیش پزشک رسمی خودکشی می کنند! تو مالک نیستی این بدن امانتی هست در دست تو انسان در این دنیا هیچی نیست به فرمایش امیرالمؤمنین (ع) چیست برای پسر آدم که خود بینی کند؟ در حالی که آغاز او نطفه ای است فاسد و نهایت او مرداری است گنبدیده و او در میان این دو، حملکننده فضله خویش.

### توکل کیلد نجات از مالکیت:

در مقابل این مالک بودن توکل است، مومن نیست کسی که از ترس فقر ازدواج نکند باید توکل کرد و من یتق الله يجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب . اگر جوانی مؤمن اما فقیر باشد و دخترت را به خاطر فقرش ندی تو در گناه او شریکی! حضرت زینب (س) فرمود ما رایثُ إلا جمیلا چون خودش را مالک امام حسین (ع) نمی داند و بعد می گوید خدایا این قلیل را از ما بپذیر!

در تدبیر کردن انسان را مشغول به آرزوهای بلند می کند و در امر و نهی الهی هم مشغول کارهای غیر اولویت دارد می کند.

## شیطان و چهار جهت راه حق:

ابلیس گفته از چهار جهت در راه حق به مخلصین حمله می کند یکی از سمت راست، از سمت چپ، از جلو و از عقب. به قول علامه طباطبایی از سمت راست می زند یعنی از فضایل می زند از خوبی هایی که داری شیطان وارد می شود از سمت چپ وارد میشود یعنی از گناهانی که انجام داده ای می گوید که کرده ای، چرا نذری می دهی؟ میخوای توبه کنی؟ اینقدر گناه کردی؟ نا امیدت می کند.

از جلو می زند یعنی از آینده آرزو اندیشی کنی یا نسبت به آینده نا امید باشی از پشت میزند یعنی از گذشته وارد می شود از این چهار جهت می زند تا از شاکرین نباشی آدرس شیطان اینجاست خواهد ما را شاکر به بار نیارد باید روحیه شاکران داشته باشیم و ذکر الحمدلله از زبانمان نیفتد. در هر جا که رفتی خواستی صحبت کنیم شکرانه صحبت کنید آداب مناجات این گونه است در دعای عرفه شما می بینید که امام حسین(ع) شاکرانه مناجات می کند و بعد درخواست می کند. در مواجهه با عیب ها و نقص ها باید شاکرانه ورود کرد و إلا شیطانوار ورود کرده‌اید.

**داستان تکبر و سرنوشت شیطان:**

خداوند در آیه ۶۱ تا ۶۵ سوره اسرا می فرماید: وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا وقتی که فرشتگان را امر به سجده آدم کردیم پس همه سجده کردند جز شیطان که گفت: آیا من سجده به آدمی که از گل آفریدی فرود آرم؟! گفت: با من بگو آیا این آدم خاکی را بر من فضیلت و برتری دادی؟ (ای خدا) اگر اجل مرا تا قیامت به تأخیر افکنی به جز خیلی (چون معصومین و خواص مؤمنین) همه اولاد آدم را مهار می‌کنم (و به دار هلاک می‌کشانم). قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا خدا به شیطان گفت: برو که هر کس از اولاد آدم پیرو تو گردد با تو به دوزخ که پاداش کامل شماست کیفر خواهد شد. وَاسْتَفْزِرُ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِيدُهُمْ ۗ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (برو) و هر که را

توانستی با آواز خود تحریک کن و به لغزش افکن، و با جمله لشکر سوار و پیاده‌ات بر آنها بتاز و در اموال و اولاد هم با ایشان شریک شو و به آنها وعده (های دروغ و فریبنده) بده، و (ای بندگان بدانید که) وعده شیطان چیزی جز غرور و فریب نخواهد بود. إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ ۚ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيْلًا همانا تو را بر بندگان (خاص) من تسلط نیست و تنها محافظت و نگهبانی خدای تو (ای رسول، از شیطان آنها را) کافی است.

باور کنید ما دشمن داریم یک دشمن قسم خورده می خواهد ما را از عبودیت از خارج کند از صراط مستقیم.

### آزمون خداوند:

خداوند در آیه 21 سوره سبأ می فرماید وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ در صورتی که شیطان بر مردمان تسلطی نداشت (بلکه از حرص دنیا پیرو او شدند. و شیطان را بر این نداشتیم) مگر برای آنکه (به امتحان) آن کس را که به عالم قیامت ایمان آورد از آن کس که شک دارد معلوم گردانیم.

خداوند برای اینکه ما را بیازماید از طریق شیطان از ما امتحان می گیرد مثل امتحان استاد از شاگردش تا ببیند اول کیست.

### داستان قوم بنی اسرائیل :

یکی از اسما خدا فتان است فتنه می اندازد کاری که با قوم بنی اسرائیل کرد، وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأْتَمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً خداوند موسی علیه السلام را ده روز اضافه تر نگه داشت تا با گوساله سامری مردم را امتحان کند، از گوساله طوری صدای طبیعی می آمد که حضرت موسی علیه السلام هم شک کرد، خداوند گفت به باد امر کردیم تا درون گوساله صدا ایجاد کند!

### گریه امام سجاد علیه السلام :

در دعای ۱۷ صحیفه سجادیه که مختص شیطان هست حضرت سجاد علیه السلام از شر شیطان به خدا پناه می برد با گریه! نباید شیطان را دست کم گرفت نباید دچار غفلت شد در مقابل باید ذکر گفت اما برخی هستند که ذکر می گویند اما غافل هستن کسانی بودند که در کربلا نیامدند اما ذکر می گفتند.



## حدیث زائده از امام سجاد علیه السلام :

در حدیثی که زائده از امام نقل کرده ایشان فرموده اند که اگر یکسال از عمرت را در بیابان سفر کنی برای شنیدن این حدیث حق داری! حدیثی بسیار شیرین و دلنشین که در جلد ۴۵ از بحار الأنوار نقل شده این روایت در کتاب «کامل الزیارات» نوشته ابن قولویه قمی (متوفای قرن چهارم هجری) آمده و یکی از مستندترین روایات دربارهٔ حادثه عاشورا است.

حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمودند:

ای زائده خبر به من رسیده که گاهی به زیارت قبر ابی عبد الله الحسین علیه السلام می روی ؟

عرض کردم : همان طور است که خبر به سمع شما رسیده .

حضرت فرمودند:

برای چه مبادرت به چنین فعلی می ورزی در حالی که تو نزد سلطان مکانت و منزلتی داشته و وی کسی است که توان این را ندارد ببیند شخصی به ما محبت داشته و ما را بر دیگران برتری می دهد و فضائل ما را ذکر می کند و حقی که از ما بر

این امت واجب است را رعایت می نماید؟  
محضر مبارکش عرض کردم : به خدا سوگند قصدم از این فعل  
فقط رضایت خدا و رسول خدا بوده و از غضب و سخط کسی  
که بر من غضب نماید ترس و وحشتی ندارم و امر مکروهی که  
از ناحیه این فعل به من برسد هرگز در سینه ام گران و سنگین  
نیست و بر من قابل تحمل می باشد.  
حضرت فرمودند:

تو را به خدا سوگند امر چنین است ؟  
عرض کردم : به خدا سوگند امر چنین است .

حضرت سوالشان را سه بار تکرار فرموده و من نیز جوابم را  
سه بار بازگو نمودم .

سپس حضرت فرمودند:

بشارت باد ترا، بشارت باد ترا، لازم شد خبر دهم تو را به حدیث  
که نزد من بوده و از احادیث نخبه و برگزیده ای است که جزء  
اسرار مخزونه می باشد و آن این است : زمانی که در طف  
(کربلا) آن مصیبت به ما وارد گشت و پدرم علیه السلام و تمام  
فرزندان و برادران و جمیع اهلش که با او بودند کشته شدند و  
حرم و زنان آن حضرت را بر روی شتران بی جهاز نشانده و ما را

به کوفه برگردانند پس به قتلگاه ایشان چشم دوختم و ابدان طاهره ایشان را برهنه و عریان دیدم که روی خاک افتاده و دفن نشده اند، این معنا بر من گران آمد و در سینه ام اثرش را یافته و هنگامی که از ایشان چنین منظره ای را مشاهده کردم اضطراب و بی آرامی در من شدت یافت به حدی که نزدیک بود روح از کالبدم خارج شود، این هیات و حالت را وقتی عمه ام زینب کبری دختر علی بن ابی طالب علیه السلام از من مشاهده نمود فرمود:

این چه حالی است از تو می بینم ، ای یادگار جد و پدر و بردارم چرا با جان خود بازی می کنی؟!  
من گفتم:

چگونه جزع و بی تابی نکنم در حالی که می بینم سرور و برادران و عموها و پسر عموها و اهل خود را در خون خویش طپیده ، و عریان و برهنه بوده جامه هایشان را از بدن بیرون آورده اند، بدون اینکه کفن شده یا دفن گردیده باشند، احدی بالای سرشان نبوده و بشری نزدیکشان نمی شود گویا ایشان از خاندان دلیم و خزر می باشند؟!  
عمه ام فرمود:

آنچه می بینی ترا به جزع نیاورد، به خدا سوگند این عهد و پیمانی بوده که رسول خدا صلی الله علیه و آله با جد امیرالمومنین علیه السلام و پدر سید الشهداء و عمویت حضرت مجتبی علیه السلام، و خداوند متعال نیز گرفته است ایشان در بین اهل آسمان ها معروف و مشهورند که این اعضاء قلم شده را جمع کرده و دفن نموده و این ابدان و اجسام خون آلود را به خاک سپرده و در این سرزمین برای قبر پدرت سید الشهداء نشانه ای نصب کرده که اثرش هیچ گاه کهنه و مندرس نشده و گذشت شب و روز آن را محو نمی کند، و بسیاری از رهبران کفر و الحاد و ابناء ضلالت و گمراهی سعی در نابود کردن آن می نمایند ولی به جای اینکه رسم و نشانه آن از بین رود ظاهرتر و آشکارتر می گردد.

من پرسیدم :

این چه عهد و میثاقی بوده و این چه حدیث و خبری می باشد؟

(نقل حدیث ام ایمن به روایت علیه مخدره حضرت زینب کبری

بنت امیرالمومنین علیه السلام)

پس عمه ام فرمود:

بلی ، ام ایمن نقل نمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی از روزها به منزل حضرت فاطمه علیه السلام نزول اجلال فرمود و حضرت فاطمه علیه السلام برای آن جانب حریره درست کردند و حضرت علی علیه السلام طبقی نزد حضرت آوردند که در آن خرما بود، سپس ام ایمن گفت :  
من نیز قدحی که در آن شیر و سرشیر را خدمتشان آوردم ، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین و فاطمه و حسنین علیه السلام از آن حریره میل کرده و سپس همگی آن شیر را آشامیدند و پس از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و به دنبال آن حضرت ایشان از آن خرما و سرشیر تناول نمودند و بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله دست های مبارکشان را شستند در حالی که امیرالمومنین علیه السلام آب به روی دست های آن حضرت می ریختند و پس از آنکه آن جناب از شستن دست ها فارغ شدند دست به پیشانی کشیده آنگاه به طرف علی و فاطمه و حسن و حسین علیه السلام نظری که حاکی از سرور نشاط بود نموده سپس با گوشه چشم به جانب آسمان نگریست بعد صورت مبارك به طرف قبله کرده و دست ها را گشاد و دعا نمود و پس از آن به حال گریه به سجده رفته

و با صدای بلند می گریستند و اشگ هایشان جاری بود.  
سپس سر از سجده برداشته و به راه افتادند در حالی که اشگ  
های آن حضرت قطره قطره می ریخت گویا باران در حال  
باریدن بود، از این صحنه حضرت فاطمه و علی و حسن و  
حسین علیه السلام محزون شده و من نیز متأثر گشته و  
اندوهگین شدم ولی همگی از سوال نمودن پرهیز کرده و از آن  
حضرت نه پرسیدم که سبب این گریه چیست تا گریستن آن  
جناب به درازا کشید در این هنگام علی و فاطمه علیه السلام  
پرسیدند:

چه چیز شما را گریانده یا رسول الله خدا هرگز چشمان شما را  
نگریاند قلب ما از این حال شما جریحه دار گردیده؟! سپس  
جبرئیل به من گفت :

ای محمد برادرت پس از تو منکوب و مغلوب امت قرار گرفته  
و از دشمنانت در تعب و رنج واقع می شود، و بعد از تو او را  
بدترین مخلوقات و شقی ترین مردم می کشد، قاتل آن  
حضرت نظیر پی کننده ناقه صالح است ، وی به منظور انجام  
این کار به شهری هجرت می کند که آن شهر نشو و نمای  
شیعه و پیروان آن حضرت و فرزندش می باشد، در آن شهر

ابتلائات ایشان (اهل بیت علیه السلام) بسیار مصیبت به ایشان عظیم می باشد، و این سبط شما (جبرئیل با دست اشاره به حضرت حسین علیه السلام نمود) با جماعتی از فرزندان و اهل بیت شما و نیکانی از امت در کنار فرات واقع در سرزمینی که به آن کربلا می گویند کشته می شود. کربلاء را از این جهت کربلاء گویند که حزن و بلاهائی که از دشمنان شما و دشمنان فرزندان شما در روزی که حزن و اندوهش تمام شدنی نبوده و حسرت آن زوال پذیر نیست به عمل می آید بسیار و زیاد می باشد.

این زمین پاکیزه ترین اماکن واقع روی زمین بوده و احترامش از تمام بقاع بیشتر است، در آن سبط تو و اهل بیتش کشته می شوند.

کربلاء از زمین های بهشت است، هر گاه روزی که در آن سبط تو و اهل بیتش کشته می شوند فرا برسد و لشگر اهل کفر و لعنت او را احاطه نمایند به جهت غضب به خاطر تو و فرزندان ای محمد و به منظور بزرگ شمردن هتك حرمت و تقبیح نمودن کرداری که نسبت به ذریه و عترت انجام شده زمین بلرزد کوهها کشیده و اضطراب و جنبششان زیاد شود و



امواج دریاها متلاطم گردد و آسمانها اهلشان را به هم بریزند، و از زمین و کوهها و دریاها و آسمانها چیزی باقی نمی ماند مگر آنکه از حق تعالی اذن می خواهند که اهل تو را که مستضعفین و مظلومین بوده و حجت های خدا بعد از تو بر خلائق هستند را نصرت و یاری کنند پس خداوند به آنها و موجودات در آنها وحی کرده و می گوید:

منم خداوند متعال ، سلطانی که قادر است و کسی نتواند از او بگریزد در توان هیچ خصم و دشمنی نیست که او را عاجز و ناتوان کند، من بر یاری کردن دوستانم قادر و بر انتقام گرفتن از دشمنان متمکن هستم ، به عزت و جلال خود قسم آنان را که رسولم را تنها گذارده و برگزیده ام را رها کرده و حرمتش را هتك نموده و فرزندانش را کشته و عهدش را نقض و زیر پای نهاده و به اهل بیتش ستم کرده اند عذابی کنم که احدی از عالمیان را چنین عذابی نکرده باشم .

در این هنگام تمام موجودات سماوی و ارضی به ضجه در آمده و آنانکه به عترت ستم کرده و هتك حرمتت را روا داشته اند را لعن و نفرین می کنند. ۲۰

و هنگامی که آن جماعت (فرزندان و اهل بیت و نیکان از امت) به طرف گورها و قبرهایشان نمایان می شوند حق تعالی خودش متولی قبض ارواح آنها به ید قدرتش شده و فرشتگان را از آسمان هفتم به زمین فرو فرستاده در حالی که با ایشان :

1 - ظروفی از یاقوت و زمرد بوده که مملو از آب حیات می باشند.

2 - حله هائی از حله های بهشتی .

3 - عطری از عطرهای بهشتی .

می باشد، پس فرشتگان بدن های ایشان را با آن آبها شستشو داده و حله ها را به تن آنها کرده و با آن عطرها حنوطشان نموده و دسته دسته بر ایشان نماز می خواند و پس از اتمام نماز حق تعالی گروهی از امت را که کفار ایشان را نمی شناسند و در خون شهداء نه با گفتار و نه با کردار و برای قبر سید الشهداء در آن سرزمین اثری نصب کرده تا برای اهل حق نشانه ای بوده و برای اهل ایمان سببی برای رستگاری باشد و در هر روز و شب از هر آسمانی صد هزار فرشته گرداگرد آن طواف کرده و بر آن حضرت صلوات فرستاده و نزد قبرش تسبیح خدا گفته و برای زائرین آن جناب طلب آمرزش کرده و

اسامی زائرین از امتت را که قربة الی الله آن حضرت را زیارت می کنند و نیز اسماء پدران و خویشاوندان و شهرهای ایشان را می نویسند و در صورتهای ایشان بامدادی که از نور عرش الهی است این عبارت را نقش می بندند:

این شخص زائر قبر بهترین شهداء و زائر قبر فرزند بهترین انبیاء می باشد.

در روز قیامت از اثر این مداد نوری ساطع شده که از پرتوش چشم ها تار می گردد و با این نور ایشان شناخته می شوند، و گویا تو ای محمد بین من و میکائیل قرار گرفته و علی جلو ما بوده و همراهمان فرشتگانی حرکت می کند که از کثرت عدد ایشان معلوم نیست و بوسیله همین نوری که در صورت های ایشان هست ، آنها را از بین خلائق دریافته و جدا می کنیم و بدین ترتیب حق تعالی ایشان را از هول و وحشت آن روز و سختی های آن نجات می دهد و این حکم خدا است در حق کسانی که قبر تو را ای محمد یا قبر برادرت یا قبر دو سبط تو را زیارت کرده و قصدی غیر از خدای عزوجل را نداشته باشند و البته گروهی از مردم که مستحق لعنت و سخط و غضب الهی هستند خواهند آمد که در محو کردن رسم و نشانه این قبر

سعی کرده و می کوشند آن را از بین ببرند ولی خداوند قادر به ایشان چنین توانی را نخواهد داد.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:  
این خبر من را گریاند و اندوهگین نمود.

حضرت زینب سلام الله علیها فرمود:

زمانی که ابن ملجم لعنه الله علیه پدرم را ضربت زد و من اثر مرگ را در آن حضرت مشاهده کردم محضرش عرضه داشتم:  
ای پدر ام ایمن برایم حدیثی چنین و چنان نقل نمود، دوست دارم حدیث را از شما بشنوم.

پدرم فرمودند:

دخترم، حدیث همان طوری است که ام ایمن نقل کرده، گویا می بینم که تو و دختران اهل تو در این شهر به صورت اسیران در آمده، خوار و منکوب می گردید، هر لحظه هراس دارید که شما را مردم بربایند، بر شما باد به صبر و شکیبائی، سوگند به کسی که حبه را شکافته و انسان را آفریده روی زمین کسی غیر از شما و غیر از دوستان و پیروانتان نیست که ولی خدا باشد و هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله این خبر را

برای ما نقل می نمودند و فرمودند:

ابلیس لعنه الله علیه در آن روز از خوشحالی به پرواز در می آید پس در تمام نقاط دستیاران و عفریت هایش را فرا خوانده و به آن ها می گوید:

ای جماعت شیاطین:، طلب و تقاص خود را از فرزند آدم گرفته و در هلاکت ایشان به نهایت آرزوی خود رسیده و آتش دوزخ را نصیب ایشان نمودیم مگر کسانی که به این جماعت مقصود اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله پیوندند از این رو سعی کنید نسبت به ایشان در مردم تشکیك ایجاد کرده و آنها را بر دشمنی ایشان وا دارید تا بدین وسیله گمراهی مردم و کفرشان مسلم و محقق شده و نجات دهنده ای بر ایشان بهم نرسد، ابلیس با اینکه بسیار دروغ گو و کاذب است این کلام را به ایشان راست گفت: وی به آنها اطلاع داد.

اگر کسی با این جماعت (اهل بیت صلی الله علیه و آله) عداوت داشته باشد هیچ عمل صالحی برایش نافع نیست چنانچه اگر با ایشان محبت داشته باشد هیچ گناهی غیر از معاصی کبیره ضرری به او نمی رساند.

زائده می گوید: سپس حضرت علی بن الحسین علیه السلام

پس از نقل این حدیث برایم فرمودند:

این حدیث را بگیر و ضبط کن ، اگر در طلب آن يك سال شتر می دواندی و در کوه و کمر به دنبال آن تفحص می کردی محققا کم و اندک بود.

**معنی کنیه اباعبدالله الحسین :**

در زبان عربی کنیه به سه جهت استفاده می شود ۱\_ برای مشخص بود اسم فرزند شخص مثل ابو سعید ۲\_ برای مشخص بودن شغل شخص مثل ابواللبن یعنی شیر فروش ۳\_ برای نشان دادن فضل تمام و کمال شخص مثل ابوالفضل پدر فضل و بخشش.

اما هر سه این معانی در کنیه اباعبدالله الحسین علیه السلام لحاظ شده است یعنی کار امام حسین علیه السلام بنده پروری بوده است به همین خاطر در حدیثی که نقل شد شیطان در روز عاشورا خنده سرمستانه می زد به خاطر این است که می گفت کار اباعبدالله که بنده پروری هست تمام شد و بنی آدم در گمراهی به سر خواهند برد.



## پروتکل های شیطان بعد از عاشورا :

شیطان در این موقع پس از شهادت اباعبدالله علیه السلام یک دستور کار جدید داد مردم را در برابر شهدای کربلا مشکوک کنید همین حرف هایی که الان می زنند پول هایتان را به نظری می دهید و فلان... این ماموریت شیطان است که شک در بین شهدای کربلا بیندازد دعوا ۱۴۰۰ سال پیش بود، دعوا بین اعراب بود، دعوای قبیله ای بود و... امیرالمومنین می فرمایند شیطان هیچ موقع حرف راست نمی زند اما این حرفش راست است اگر در بین شهدای کربلا شک و تردید ایجاد شود حتما پیروز خواهند بود اگر کسی با شما اهل بیت بعد از عاشورا دشمنی داشته باشد عمل صالح او به درد نمیخورد. ما باید شهدای کربلا احترام بگذاریم با مادرم به هیئت ها برگزاری هیئت ها و انقدر کاری که هست روی زمین مانده از کفش رفت کردن و شستن استکان ها و پول خرج کردن باید خودمان را به امام حسین علیه السلام وصل کنیم کتاب مسیر عبودیت خارج نشویم و هر که در تاریخ از شهدای

کربلا جدا شده از مسیر حق خارج شده است.

### اهمیت اربعین:

اربعین در این تاریخ فرصتی عجیب است، شیطان تمام توانش را خرج می کند تا اربعین را تضعیف کند به فکرها می اندازد که اربعین واجب نیست و گرم است و... باید برای اربعین کار کنیم، تقویت کنیم و وصل بشیم این پرچمی که بلند شده نمی افتد.

إن شاء الله بتوانیم در راه حق به حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام وصل بشویم تا به سعادت دنیا و آخرت دست پیدا کنیم.